

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کونوت میلنتین - Von Knut Mellenthin
برگردان از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۱۴ جولای ۲۰۱۶

آینده ویران

۶۵ میلیون انسان در سراسر جهان در گریز از جنگ و تعقیب هستند. زیاد تر از نصف آنها اطفال هستند.



در سال ۲۰۱۴ زنها و اطفال در عراق از گیر شبه نظامیان جهادیت "دولت اسلامی" درگریز هستند.

عکس: رویتر رودی "سید" - Foto: REUTERS/Rodi Said

در سالهای اخیر در سراسر جهان ۶۳.۳ میلیون انسان به حیث متواری و پناهنده زندگی می کردند. طبق گزارش سالانه سازمان " (کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان)، که تنی چند از این کمیسرها که موظف کمک به متواریان و پناهنده‌ها هستند، به تاریخ ۱۸ جون منتشر نمودند؛ با افزایش ۹.۵۷ فیصد، در حالی که ۱۲ ماه قبل این تعداد به ۵۹.۵ میلیون می رسید، تذکار یافته است. در حالی که تقریباً نصف کسانی که تازه به این جمع می پیوندند، ۲.۵ میلیون انسان از کشور یمن است که شامل این احصائیه نیستند و یا فراموش شده اند. از ماه مارچ ۲۰۱۵ عربستان سعودی، امارات متحده عربی و چند کشور دیگر به کمک امریکا با مداخله در امور داخلی این کشور جنگ را به راه انداختند.

اضافه از ۲۴.۵ میلیون انسان که مجبور هستند خارج از کشور خود زندگی کنند، ۴۰.۸ میلیون انسان در داخل کشور های خود متواری هستند، دلیل آن به طور عموم جنگ های داخلی در این کشور هاست. به نظر " UNHCR " فقط این ها هستند که به حیث "روفیوجی"، پناهنده نامیده می شوند. تنها ۳.۲ میلیون از آنها در قلمرو "اتحادیه اروپا" و امریکا و یا در دیگر کشور های صنعتی حضور دارند. در حالی که از مجموع تمام پناهندگان ۴.۵ فیصد می شوند. به عکس ۸۶ فیصد تمام متواریان و پناهندگان را که "UNHCR" ثبت نام کرده در کشور هائی زندگی می کنند که "عایدات مردم این کشور ها پائین و یا در حد متوسط است، این کشور ها با مناطقی که در موقعیت ناآرام قرار دارند همجوار هستند".

در صورتی که پناهندگان فلسطینی را هم در این احصائیه شامل بسازیم این قسمت از ۹۰ در صد بالا می رود. از جمله ۱۰ کشوری که اکثراً پناهجویان را پذیرفته اند، ۵ آن کشور های افریقائی می باشند با عایدات سرانه خیلی کم. در رأس همه "ایتوپین" است و به تعقیب آن "کنیا"، "اوگندا"، جمهوری دموکراتیک "کونگو" و "چاد" می باشند. اگر سر را سر جهان را در نظر بگیریم هیچ کشور دیگری به اندازه کشور ترکیه پناهندگان را نپذیرفته است، این که ترکیه از جانب المان، کشوری که به حیث رهبری کننده "اتحادیه اروپا" ست، در رول یک مملکت پوشالی جهت "استحکام اروپا" تحت فشار قرار داده می شود، ۲.۵ میلیون انسان را نظر به اعلان "UNHCR" در ترکیه هستند. با تناسب جمعیت، اکثراً پناهجویان در "لبنان" زندگی می کنند چنانچه به هر ۱۰۰۰ نفر شهروند در آنجا، ۱۸۳ نفر می رسد که در داخل لبنان در جست و جوی امنیت می باشند.

در میان کشور هائی که زادگاه پناهجویان است و مردم آن متواری و پناهجو هستند، در رأس همه کشورها، کشور "سوریه" با ۴.۹ میلیون، "افغانستان" با ۲.۷ میلیون و "سومالیا" با ۱.۱ میلیون قرار دارند. به اضافه انسانهائی که در داخل این سه کشور در فرار هستند.

اکثریت چنین "فراریهای داخلی" با ۶.۹ میلیون در کشور های "کولمبیا" و به تعقیب آن با ۶.۶ میلیون در سوریه و با ۴.۴ میلیون در "عراق" می باشند که در داخل کشور های خود شان در فرار هستند. نظر به اعلام "UNHCR" از جمله تمام پناهجویان در سراسر جهان ۵۱ فیصد آن اطفال هستند.

قرار گزارشی که "یونیسف" UNICEF (مؤسسه همگانی کمک به اطفالی که در وضعیت وخیم قرار دارند)، به روز سه شنبه هفته گذشته منتشر کرد، نظر به پیش بینی و واقعیت در این مورد، موقعیت اطفال و جوانان به خصوص در کشور های افریقائی، قسمت جنوبی "صحرا"، با وجود این که از سال ۱۹۹۰ در تمام جهان موفق شدند که تقریباً ۵۰ فیصد جلو مرگ و میر اطفال و یک قسمت از انسانهائی را که در ناداری و غریبی مجبور بودند زندگی کنند، بگیرند، هنوز هم موقعیت و دور نمای آینده آنها سخت وحشتناک است و سطح زندگانی آنها با مقایسه انسانهائی که در کشور های ثروتمند صنعتی زندگی می کنند، شرم آور است. در صورتی که در وضع زندگانی آنها بهبود مشهودی صورت نگیرد، از دید "یونیسف" بین سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۳۰ تقریباً ۷۰ میلیون طفل نوزاد از "دلایل تغییر پذیر" بدون این که به سن پنج سالگی برسند، تلف می شوند.

جمعاً ۱۶۷ میلیون طفل در سال ۲۰۳۰ با فقر و فلاکت بیش از حد زندگی خواهند نمود.

در حال حاضر کشور های "انگولا"، "چاد" و "سومالیا" زیاد ترین تلفات اطفال را در سر را سر جهان دارند. در "انگولا" ۱۵.۷ فیصد در "چاد" ۱۳.۹ فیصد و در "سومالیا" ۱۳.۷ فیصد اطفال نوزاد اصلاً به سن پنج سالگی نمی رسند.

"یونیسف" اشاره به آن می کند که در حال حاضر تقریباً ۱۲۴ میلیون کودکی که باید به مکتب می رفتند، از آن محروم اند. به علاوه در بعضی از مناطق ۴۰ درصد اطفال، آنهایی که مکتب ابتدائی را به موفقیت به پایان رسانده اند، ولی با وجود آنهم به اندازه کافی خواندن، نوشتن و حساب کردن را نیاموخته اند.

برای نوزاد هائی که مادران شان سواد ابتدائی ندارند، یک ریسک است که اطفال آنها پیش از این که به سن پنج سالگی برسند، بمیرند، یعنی مرگ و میر اطفالی که که مادران آنها به مکتب نرفته اند، تقریباً سه مرتبه بالاتر است از کودکان دیگر. در صورتی که تصمیم به بهبود شرایط و وضع آنها گرفته شود، ضرورت به سرمایه گذاری بسیار زیاد است. طبق سر و صدای "یونیسف" در حال حاضر ۸.۵ میلیارد دلار کسرپول است تا آموزش ۷۵ میلیون کودک را که در بحرانی ترین مناطق و در بدترین حالت هستند، از لحاظ مالی بتوانند، تأمین نمایند.

افزوده مترجم:

با تذکر بسیار مختصر، زمانی که کاخ اتحادیه ملل که در حقیقت گورستان ملتها بود در سال ۱۹۲۹ ساخته شد، پیشنهاد انشتین این بود که بر سر دروازه آن بنویسند که "از زرومندان پشتیبانی می کنیم و دهان ناتوانان را بدون خونریزی می بندیم". ولی بعد از انحلال جامعه ملل در سال ۱۹۳۹، از اواسط جنگ جهانی دوم، دولت‌های بزرگ به فکر تشکیل سازمان بین المللی دیگری افتادند. در اکتوبر سال ۱۹۴۵ "ملل متحد" در نیویارک به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد، اما به حیث یکی از ارگانهای امپریالیسم جنایتگستر آمریکا.

انشتین از محدود کسانیکست که ارزیابی خود را از اتحادیه ملل در آنزمان با این جمله طوری فورمول بندی کرده که تا به امروز هم در مورد "ملل متحد" کاملاً صدق می کند "از زورمندان پشتیبانی می کنیم". طوری که ما می دانیم، یکی از اهداف "ملل متحد" ایجاد شرایط همکاری بین المللی در حل مسایل بین المللی است ولی با جانبداری از دولت‌های قدرتمند و متجاوز. از زمان تأسیس "ملل متحد" تا به امروز به کشور های قدرتمند و سلطه گر امکانات داده شده تا از تریبون سخنرانی به حیث سکوی تبلیغاتی خود استفاده نمایند. از وظایف اصلی و اساسی "ملل متحد" در حقیقت، اطاعت و حمایت از اوامر، اهداف و امیال امپریالیستها به خصوص امپریالیسم آمریکا که غدار ترین دشمن سراسر جهان و نیروی عمده تجاوز و جنگ است، می باشد، و به همین اساس به فیصله های ضد بشری دولت‌های امپریالیستی ورژیم های قدرتمندی که در عقب آن اهداف سیاسی، اقتصادی و ... آنها نهفته و برخوردار از حمایت امپریالیسم جنایتگستر آمریکا هستند، مهر تأیید می گذارد.

"ملل متحد" در بطن تصویب و صحه گذاری بر مجموع جنایاتی که در جهان به وقوع می پیوندد، می خواهد با پیشبرد یک سلسله وظایف به اصطلاح انسانی و بشر دوستانه، طوری وانمود کند که فرشته نجات خلقها است. خلقهائی که مورد ظلم و ستم قرار می گیرند، نادر و بی بضاعت هستند، مرگ و میر کودکان زیاد است و علاوه به آن کشور های آنها به اصطلاح خالی از منابع پر ارزش و گرانبهای طبیعی است. لذا فرشته های نجات "ملل متحد" باید به کمک آنها بشتابند.

روی همین منظور است که "ملل متحد"، نهاد های مختلف را در زمینه های مختلف و تحت عناوین مختلف ایجاد نموده است. طوری که در ترجمه از بعضی نهاد های این سازمان و وظایف آنها نامبرده شد. نهاد هائی را که "ملل متحد" به وجود آورده و وظایفی را که این نهاد ها انجام می دهند، در حقیقت برآورده ساختن اهداف و امیال امپریالیستها در تمام کشور هائی که مورد حمایت "ملل متحد" قرار می گیرند، می باشد. طوری که می دانیم "ملل متحد" بافرستادن کمیساریا هائی که وظیفه آنها جز خیانت، جاسوسی، حمایت و تقویت رژیم های ضد انسانی و دولت‌های دستنشانده چیز دیگری

نیست، کار دیگری را پیش نمی‌برند. مگر طوری وانمود می‌کنند که هدف آنها به اصطلاح کمک به انسانهای ستمدیده است تا آنها را از غربت و ناداری، گرسنگی، بیسوادی و ... نجات دهند و از همه مهمتر جلو مرگ و میر کودکان را بگیرند. این که کودکان در شرایط تجاوز و جنگهایی که امپریالیستها در کشور های شان دامن می‌زنند، هر لحظه توسط بمب و راکت جانهای شیرین خود را از دست می‌دهند، برای آنها مطرح نیست. مهم فعالیتها و کمک های به اصطلاح انسانی آنهاست که باید انجام دهند. پس به گفته "انشتین" می‌خواهند به این ترتیب "دهن ناتوانان را بدون خونریزی ببندند". اگر "انشتین" امروز زنده می‌بود به یقین که نتنها می‌گفت: که با کمک های به اصطلاح انسانی خود دهان ناتوانان را بدون خونریزی می‌بندند، تا از یک جانب با کمک های بشر دوستانه خود، بتوانند جلو خیزش های به حق خلقها را سد شوند، از جانب دیگر نظر به تجاوزات و حملات نظامی که امپریالیستها در کشور های آسیائی و افریقائی مرتکب می‌شوند، انشتین هم نظر ما را تأیید می‌کرد و می‌گفت: دهان ناتوانان را نتنها بدون خونریزی بلکه با استعمال راکت و توپ و تفنگ و درون تا ابد خاموش می‌سازند.

در حالی که یکی از ماده های منشور "ملل متحد" حفظ صلح و امنیت بین المللی و بر طرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هر گونه عمل تجاوز بر طبق اصول عدالت و حقوق بین المللی است، عملکرد "ملل متحد" فقط چال است و فریب، بیشر می و بی حیائی.

۹ جولای ۲۰۱۶